



چکیده

تدریس^۱ و مربیگری^۲ دو نقش شغلی متفاوت‌اند و معلمانی که علاوه بر نقش معلم، نقش مربی را نیز بر عهده دارند، عموماً نسبت به کسانی که در سایر موقعیت‌های آموزشی قرار گرفته‌اند، محیط‌های کاری پرتنشی دارند، اما هر نقش شغلی مسائل تنشی و تنیدگی‌های خاص خود را دارد. مسئولیت‌های معلمان تربیت‌بدنی و مربیان از یکدیگر قابل تشخیص و تفکیک‌اند. این نقش‌های متفاوت و تعارضات نقشی ممکن است در بین معلمان تربیت‌بدنی، که مربی هم هستند، ایجاد تنش کنند. تاریخچه تربیت‌بدنی نشان می‌دهد که عوامل زمینه‌ای بسیاری وجود دارند که تعارض نقش معلم - مربی^۳ تربیت‌بدنی را افزایش می‌دهند. هدف از این مقاله، تجزیه و تحلیل این عوامل زمینه‌ای از طریق ارزیابی و مرور ادبیات

پیشینه و ارائه پیشنهادهایی در زمینه رفع تعارض نقش معلم - مربی در تربیت‌بدنی مدرسه‌ای در آمریکا است.

کلیدواژه‌ها: تربیت‌بدنی، مربیگری، تعارض نقش

مقدمه

تدریس شغلی پرمسئولیت و نیازمند تلاش و تعهد است. در یک روز عادی، معلمان کلاسهای درسی بسیاری را سازمان می‌دهند، فعالیت‌های متعددی را در فضای مدرسه اجرا می‌کنند و در جلسات حضور می‌یابند. علاوه بر این‌ها، اغلب مأموریت‌های فوق برنامه‌ای^۴ چون مربیگری رشته‌های ورزشی در مدارس، را نیز بر عهده دارند. این مسئولیت‌های چندوجهی، اغلب موقعیت‌های شغلی تمام‌وقتی را سبب می‌شوند (باین^۵، ۱۹۸۳؛ دونوون^۶، ۱۹۹۷؛ کوزا^۷، ۱۹۹۰؛ سیچ^۸، ۱۹۸۷؛ سیس لی، کپل، دیزرتربین^۹، ۱۹۸۷؛ ساتن^{۱۰}، ۱۹۸۴). بسیاری از معلمان تربیت‌بدنی پذیرفته‌اند که مربیگری یک رشته ورزشی، تعهد شغلی مورد انتظار از آن‌ها در قالب فوق برنامه است. با این حال، مربیگری از این حیث که عملکردهای شغلی و برنامه‌ریزی‌های روزانه فراوانی را در سرتاسر سال می‌طلبد، با بسیاری از فعالیت‌های فوق برنامه متفاوت است. از تیم‌های ورزشی مدارس، که مربیان عموماً پاسخ‌گوی عملکرد آن‌ها هستند، انتظار می‌رود که در مسابقات ورزشی منطقه‌ای حضور یابند و به رقابت‌های قهرمانی ایالتی صعود کنند.

تعارض نقش معلم - مربی در تربیت‌بدنی مدرسه‌ای در آمریکا

پیشینه و پیشنهادهایی برای آینده

مترجم: دکتر جواد آزمون

استادیار دانشگاه تربیت‌دبیر شهید رجایی



برنامه‌های تربیت‌بدنی مدارس شامل دوره‌های آموزشی مربیگری است و طی آن‌ها مهارت‌های مربیگری به دانش‌آموزان آموخته می‌شود. علاوه بر این، دانش‌آموزان تربیت‌بدنی اجازه مربیگری یک دانش‌آموز ضعیف‌تر از خود را نیز دارند.

فیگون^{۱۱} (۱۹۹۴) به‌طور خلاصه بیان می‌کند که به منظور درک بهتر تفاوت‌های مابین نقش‌های معلم - مربی، خاستگاه و منشاء این نقش‌ها باید بررسی شود. قبل از سال ۱۹۰۶، تنها هدف برنامه‌ی درسی تربیت‌بدنی افزایش سلامت و تندرستی^{۱۲} دانش‌آموزان از طریق دروس فیزیولوژی و بهداشت‌شناسی^{۱۳} در مدارس ابتدایی و متوسطه دولتی بود (رز^۴، ۱۹۸۶). لیوایز^{۱۵} (۱۹۶۹) بیان داشت که نقش‌های دوگانه معلم - مربی بین سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۱۶ با به پا شدن نهضت «ورزش‌ها تربیتی هستند»^{۱۶} در کشور آمریکا شروع شد. بین سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۳۹، در کلاس‌های تربیت‌بدنی، اهداف مربوط به سلامت و آمادگی جسمانی نسبت به ورزش‌ها کمتر مورد تأکید بودند. در خلال این سال‌ها، برنامه‌های ورزشی عمدتاً برنامه‌های تعدیل‌شده‌ی مدرسان تربیت‌بدنی دانشگاه‌ها بودند. فیگون (۱۹۹۴) می‌گوید: «بدین‌سان اگر چه ورزش‌ها در تربیت‌بدنی ادغام و ترکیب شده بودند، آرمان‌گرایانه به‌نظر می‌رسید که آن‌ها بتوانند در هم ادغام شوند و برنامه‌ی یکدستی را خلق کنند که، به رغم نگرانی فزاینده درباره‌ی سوءاستفاده‌های ورزشی اعلام شده توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، و تنی چند از مسئولان دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها و معلمان تربیت‌بدنی، بتواند نیازهای متنوع جامعه را برطرف سازد.»

اگرچه از سال ۱۹۹۷ در ادبیات پیشینه پژوهش تعارض نقش^{۱۷} معلم - مربی مجدداً دیده نشده است، هنوز علاقم و آثار این مسئله در مؤسسات ما، در حکم یک برنامه‌ی کاری پنهان، وجود دارد. پاگانو^{۱۸} (۲۰۰۲) به منظور آگاهی از نقش دوگانه معلم - مربی مقایسه‌ای بوم‌شناختی را در قالب یک مطالعه‌ی موردی اجرا کرد. هدف از پژوهش وی، بررسی مشابهت‌ها و تفاوت‌های بین زمینه یا محیط تدریس یک رشته ورزشی در قالب درس تربیت‌بدنی، و مربیگری همان رشته (مثلاً تدریس سافت‌بال در قالب یک واحد درسی در یک کلاس تربیت‌بدنی و در همان زمان، مربیگری سافت‌بال) بود. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۳ دانش‌آموز، که واحد درسی تربیت‌بدنی را اخذ کرده بودند، و ۱۵ بازیکن تیم سافت‌بال و یک معلم - مربی مرد سافت‌بال بودند. اطلاعات با استفاده از یادداشت‌های میدانی، مصاحبه با معلم - مربی، دانش‌آموز ورزشکاران و ثبت شرح

تکلیف و تولید محتوا طی یک واحد درسی سافت‌بال که طی ۵ روز در قالب درس تربیت‌بدنی تدریس شده بود و ۱۲ هفته تمرین سافت‌بال جمع‌آوری شد. مطالعه پاگانو سه یافته عمده به همراه داشت؛ نخست اینکه برنامه سافت‌بال در جایگاه یک ورزش، بسیار شدید اما در جایگاه یک فعالیت تربیت‌بدنی خیلی ضعیف بود. دوم اینکه، اختلافات معناداری بین نوع تکالیف، تعداد تکالیف و فرصت‌های پاسخ‌گویی^{۱۹} (یعنی تعداد تکرارهای همراه با اجرای صحیح مهارت‌های حرکتی مرتبط با مهارت‌های ورزشی چون دویدن، کنترل توپ، ضرب زدن با چوب‌دستی به توپ، گرفتن توپ، پرتاب توپ به سمت چوگان‌زن) در هر دو زمینه وجود داشت. در هنگام مربیگری فرصت‌های پاسخ‌گویی بسیاری مهیا بوده و بیشترین تأکید بر مهارت و ایجاد راهبرد بوده است؛ در حالی که تربیت‌بدنی تکالیف، فرصت‌های پاسخ‌گویی و تمرین مهارتی کمی داشته است. سوم و نهایتاً اینکه اختلافات بین گروهی در پاسخ‌گویی نیز گزارش شد.

همچنین، یلسین^{۲۰} (۲۰۰۰) به منظور بررسی الگوی ترجیح نقش^{۲۱}، تناسب نقش^{۲۲} و رضایت شغلی^{۲۳} یک پژوهش زمینه‌یابی را در میان معلم - مربیان سطح دبیرستان اجرا کرد و به اطلاعاتی در مورد اختلاف بین زیرگروه‌های تعریف شده بر اساس جنسیت رشته تحصیلی و نوع ورزشی که معلم، مربی آن بوده است دست یافت. آزمودنی‌های وی معلم - مربیان دبیرستانی بودند (۴۳۶ نفر). نتایج این مطالعه نشان داد که جنسیت، رشته تحصیلی و نوع رشته ورزشی مربیگری شده تأثیر معناداری بر ترجیح معلمی / مربیگری داشته‌اند.

برخی از مطالعات نشان دادند که عوامل زمینه‌ای دیگری نیز وجود دارند که تعارض نقش معلم - مربی در تربیت‌بدنی مدرسه‌ای را افزایش می‌دهند. عوامل زمینه‌ای و نقش‌های چندگانه ممکن است «تعارض نقش» ایجاد کنند، که مقدار تعارض درک شده بین رفتارهای نقشی مورد انتظار تعریف شده است. وقتی توقعات شخص از محیط اجتماعی و اوضاع محل کارش دچار ناسازگاری و مغایرت می‌شوند، تعارض نقش رخ می‌دهد. این تعارض چون می‌تواند هم برای اشخاص و هم برای محل کارشان به یک موضوع بحرانی تبدیل شود مورد توجه است. با این مقدمه، هدف از این بررسی، تجزیه و تحلیل عوامل زمینه‌ای از طریق بررسی تحلیلی ادبیات پیشینه و اظهار عقیده درباره تعارض نقش معلم - مربی در تربیت‌بدنی مدرسه‌ای در آمریکا بوده است.

معلمانی که علاوه بر نقش معلم، نقش مربی را نیز بر عهده دارند، عموماً نسبت به کسانی که در سایر موقعیت‌های آموزشی قرار گرفته‌اند، محیط‌های کاری پر تنشی دارند

تعارض نقش و معلمان تربیت بدنی

لاک و مستنک^{۲۴} (۱۹۷۸) بیان داشتند که معلم - مربی نقشی پیچیده و بی‌مانند است و باید بین آن و نقش‌های سایر معلمان در مدرسه تفاوت عمده‌ای قائل شد. این موقعیت بی‌مانند شاید به دلیل ارزش، پایگاه، سرشت، مسئولیت یا میزان کار مرتبط به شغل و تعارضات معلم - مربی باشد. ضمناً، نقش اضافی بدو توسط معلمانی درک شده است که مربی هم بوده‌اند. در سطح مدارس متوسطه، مربیان ممکن است مسئولیت‌های سازمانی و اداری متفاوتی داشته باشند که برایشان کار اضافی به ارمغان می‌آورد. گذشته از این، وظایف مربوط به تدریس به‌عنوان یک تعهد سالانه نیز ممکن است بار و نقش اضافی ایجاد کند (کپل، سیس لی، دبیرترین، ۱۹۸۷). در نتیجه بازبینی تاریخچه تربیت بدنی، چندین عامل زمینه‌ای آشکار شد که باعث ایجاد و رواج تعارضات نقش معلم - مربی تربیت بدنی شده‌اند (جانز^{۲۵}، ۱۹۸۲؛ لومپکین^{۲۶}، ۲۰۰۲؛ زیدنتاپ^{۲۷}، ۲۰۰۹؛ تمپلین و آنتورپ^{۲۸}، ۱۹۸۱). این عوامل در ادامه تشریح گردیده‌اند.

۱. زمینه‌ی دروس اصلی^{۲۹} تربیت بدنی: بسیاری از دروس اصلی تربیت بدنی در برنامه‌های ورزشی مدارس متوسطه، زمینه‌ای رقابتی دارند. در نتیجه، دانش آموزان درگیر برنامه‌های تربیت بدنی با انتظاراتی متفاوتی می‌شوند.

۲. طراحی برنامه‌های تربیت بدنی: به لحاظ تاریخی، برنامه‌های تربیت بدنی مبتنی بر آموزش سنتی بوده‌اند که تأکیدشان بر مربیگری است تا اقدام به تدریس.

۳. انتظارات مدارس: معلمان تربیت بدنی از تعهداتشان نسبت به ورزش در مدرسه به‌خوبی آگاه می‌شوند. از این‌رو، عموماً، معلمان تربیت بدنی پس از استخدام موظف به پذیرش نقش‌های مربیگری هستند.

۴. اهداف شغلی و رضایت شغلی: وقتی معلمان تربیت بدنی برای انجام دادن وظایف فوق برنامه در موقعیت‌های داخل و خارج از کلاس استخدام می‌شوند، احتمالاً با وقف کردن خود در مربیگری ورزش، موفقیت و رضایت شغلی بیشتری کسب می‌کنند. شواهد پژوهشی مبین آن هستند که تعارض نقش معلم - مربی مفهومی بین‌المللی است. اگرچه عوامل پیش گفته به لحاظ پیشینه مربوط به ایالات متحده آمریکا، است، اوکانور و مک دونالد^{۳۰} (۲۰۰۲) یک مطالعه موردی را با استفاده از روش مصاحبه عمیق یا بدون ساخت ترتیب دادند تا آثار انتظارات مختلف از نقش‌های شغلی را در استرالیا تعیین کنند. مصاحبه‌شوندگان پنج معلم تربیت بدنی بودند که هر دو نقش معلم - مربی را برعهده داشتند. این مطالعه

آشکار ساخت که معلمان تربیت بدنی مورد مطالعه اگرچه با تعارض نقش معلم - مربی مواجه بوده‌اند، اظهار کرده‌اند که به‌رغم وجود چنین تعارضی آن را با تصور یک محیط کاری مثبت و مسرت‌بخش مدیریت کرده‌اند.

اصل موضوع و جان کلام این است که هنگام تعریف نقش مربی در چارچوب یک شغل و حرفه، اقتضائات باید بسیار دقیق تحلیل شوند. در سطح مدارس متوسطه، یک مربی معمولاً به‌عنوان معلمی که وظایف متعددی به‌عهده دارد استخدام می‌شود. به عبارت دیگر، مربیان در سطح دبیرستان برای برطرف کردن نیازهای زیر استخدام می‌شوند (اسنایدر، اسپرینگر^{۳۱}، ۱۹۸۳، ص ۱۹۳):

۱. نوسازی برنامه ورزش با تأکید بر ورزش‌های اصلی؛
۲. تحقق بخشیدن به موفقیت و کامیابی برنامه ورزش؛
۳. حضور در رتبه‌بندی ایالتی با تیم؛
۴. بنابر رتبه‌بندی مورد اشاره در شماره ۳، رسمیت و جانی تازه به مدرسه و جامعه دادند؛
۵. پیروزی در رقابت‌های قهرمانی ایالتی و سایر تورنمنت‌ها؛
۶. کسب شناخت بیشتر از ورزشکاران لایق و سرشناس با هدف شناسایی ورزشکاران مستعد؛
۷. تحقق کانون حامیان (معروف به باستر کلاب^{۳۲}).

علاوه بر این، برحسب تشکیلات سازمانی، فیگون (۱۹۹۴b) اظهار داشت که بسیاری از مؤسسات آموزشی نقش‌های تربیت بدنی و ورزشی را با تأکید بر مسئولیت‌های دوگانه معلم - مربی به شرح زیر تحت یک عنوان ترکیب کردند:

۱. معلم - مربیان بتوانند نقش‌های دوگانه را به‌طور مؤثری اجرا کنند؛
۲. تدریس همان نقش اساسی مربیگری را دارد؛ تفاوت‌های اصلی در سطح مهارت و انگیزش دانش‌آموزان است؛

۳. برنامه‌ریزی تخصصی مسیر شغلی تدریس و مربیگری برای هر دو نقش به یک نسبت مورد توجه بوده و زمان برابر به هر دو اختصاص یابد. با وجود این، فیگون (۱۹۹۴b) یادآوری کرد که واقعیت‌ها در بیشتر موقعیت‌های تدریس - مربیگری^{۳۳} با دیدگاه‌های بالا ناهمسان یا مغایر هستند؛ زیرا:

۱. تقاضا و نیاز زمانی مربیگری بیشتر از حد انتظار است؛
۲. تدریس و مربیگری برحسب اهداف سازمانی، انگیزش، سطوح مهارتی دانش‌آموزان، زمان اختصاص یافته و امکانات، نقش‌های شغلی متفاوتی هستند؛
۳. معلم - مربیان در تحقق نقش‌های دوگانه به یک اندازه موفق نیستند.

به‌طور کلی، تعارض نقش معلم - مربی هنگامی رخ می‌دهد که معلمان به کرات در می‌یابند که مهارت‌های مربیگری نسبت به تدریس ارزشمندتر و مهیج‌ترند؛ چون تدریس معمولاً مورد غفلت مدیران واقع می‌شود



تربیت‌بدنی که مربیگری می‌کند، به‌ندرت برای معلمان‌هایی که دو نقش متفاوت را به‌طور هم‌زمان به‌عهده دارند واکاوی شده است. عملاً، الگوی معلم - مربی در نظام تحصیلی آمریکای گزینده‌های اندکی برای معلمان تربیت‌بدنی باقی گذاشته است. بنابراین، چنانچه معلمی مانند در هر دو نقش را انتخاب کند، باید واقعیات هر دو نقش را بپذیرد و مهارت‌های مقابله با استرس یا فشار روانی را در خود توسعه دهد. کنار کشیدن از یکی از موقعیت‌هایی که موجب تعارض نقش می‌شوند، روشی است که بارها به‌عنوان یک راهبرد مناسب برگزیده و پذیرفته شده (سیج، ۱۹۸۷) اما به‌ندرت به‌عنوان راه‌حل به معلمان تربیت‌بدنی ارائه گردیده است؛ به استثنای آن‌هایی که مسائل مربوط به سلامتی یا شغل‌های ثانویه دیگری داشته‌اند. به‌عنوان جایگزین برای کنار کشیدن کامل از یک موقعیت، (سیج، ۱۹۸۷) کاهش زمان پرداختن به یک یا هر دو نقش شغلی را پیشنهاد کرد. از سوی دیگر، خوب است دروس اصلی دوره کارشناسی تربیت‌بدنی درباره تعارضات نقش معلم - مربی را از طریق ارائه آموزش مناسب و آموزش عملی^{۳۹} در موقعیت‌های مقتضی تمرین کرد. برنامه غیرسنتی «فلایت» یا «پرواز»^{۴۰} (بلک مور، هاوکز، ویلکسون، زاندریا و هریسون^{۴۱}، ۱۹۹۷) در دانشگاه یانگ بریگام^{۴۲} مثال و نمونه خوبی است. به‌رغم داده‌های نظام‌مند محدود درباره این برنامه، برنامه پرواز دروس مربیگری را در طرحش ادغام کرده، و دانشجو موقعیت تدریس و مربیگری را که به‌خوبی تعریف و معین شده است، تجربه می‌کند. در عمل بهتر است برای برنامه‌های مربیگری گروه‌های آموزشی سلامت و عملکرد انسانی، حرکت‌شناسی یا فعالیت‌بدنی و علوم ورزشی، در آینده در دوره لیسانس رشته‌های مجزا داشته باشیم. بدین‌سان، یک هویت تخصصی مربیگری متفاوت ممکن است شکل گیرد و بنابراین، رفع یا حل مسائل مربوط به تعارض نقش گسترش یابد. به‌طور کلی، مادامی که مؤسسات نقش‌های دوگانه دارند و آن‌ها را به معلمان تربیت‌بدنی عرضه و پیشنهاد می‌کنند، تعارض نقش معلم - مربی نیز وجود خواهد داشت. بنابراین، دروس اصلی تربیت‌بدنی باید براساس

به‌طور کلی، تعارض نقش معلم - مربی هنگامی رخ می‌دهد که معلمان به کرات در می‌یابند که مهارت‌های مربیگری نسبت به تدریس ارزشمندتر و مهیج‌ترند؛ چون تدریس معمولاً مورد غفلت مدیران واقع می‌شود (چلادوری و کوگا^{۴۳}، ۱۹۹۶). مثلاً، استورت و همکاران^{۴۴} (۱۹۹۳) نکات زیر را از زبان معلمان تربیت‌بدنی نقل می‌کنند: «برای تدریس هیچ حامی‌ای نداشتیم. آن‌ها مرا به‌عنوان مربی حمایت می‌کردند اما به‌عنوان معلم می‌توانستم هرکاری انجام دهم یا هیچ کاری انجام ندهم. نشستن روی نیمکت و چرخاندن توپ عالی خواهد بود؛ بدون اینکه کسی بر آنچه تدریس می‌کنید و همچنین مسئولیت‌های بسیار دیگری که بر عهده دارید، نظارت کند. برای من آسان خواهد بود که همین کار را انجام دهم.» «او می‌توانست معلم خوبی باشد - او می‌دانست چکار کند - اما هیچ‌کسی نیازمند آنچه انجام می‌شد نبود؛ بنابراین او همه انرژی‌اش را صرف مربیگری می‌کرد.»

«من معمولاً ۵ ساعت در روز را صرف والیبال می‌کردم. شب گذشته، تا ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه به خانه نرفتم. درست بعد از تمرین والیبال، تا ساعت ۱۰ جلسه مربیان را داشتیم. من هیچ‌کاری در نقش معلم انجام ندادم و این باعث شد احساس بی‌کفایتی کنم.»

در مقابل، نیر - اوزن و فیلیپس^{۴۵} (۱۹۹۵) دریافتند که تعداد معدودی از معلمان مزایای محدودی از نقش دوگانه معلم - مربی را دریافت کرده‌اند. یکی از معلمان گزارش کرده که او از ارائه بازخورد در خلال شغل مربیگری بهره برده و سپس آن را به نقش تدریسش منتقل کرده است. علاوه بر این، بنا بر اظهار روگنو^{۴۶} (۱۹۹۴)، معلمان ممکن است در خلال تدریس در «منطقه ایمنی مربوط به برنامه تحصیلی»^{۴۷} خودشان بمانند. برای مثال، معلمان که مشغول مربیگری در چند رشته ورزشی مختلف مثل فوتبال یا بسکتبال هستند، همان موضوعات را نیز در کلاس درس تربیت‌بدنی خود تدریس می‌کنند؛ زیرا به دلیل داشتن وظیفه مربیگری و نقش‌های دوگانه برای تدریس، در این موضوعات احساس راحتی بیشتری خواهند داشت. خلاصه اینکه، بیشتر معلمان تربیت‌بدنی ممکن است ناگزیر به پذیرش نقش مربی شوند. همچنین برخی ادبیات پیشینه حکایت از آن دارند که نقش‌های تدریس و مربیگری توانایی‌ها و ویژگی‌های متفاوتی می‌طلبند.

پیشنهادهایی برای تجربه تعارض نقش معلم - مربی در آینده

تجربه تعارض نقش معلم - مربی توسط یک معلم

یک معلم به واسطه اجرای تکالیف مختلفی که منجر به ایجاد محیطی دلپذیر برای یادگیری می‌شوند، برای محیط کلاس جوی طراحی و سپس آن را بر فضای کلاس حاکم می‌کند



واقعیت‌های موجود تعلیم داده شوند. به‌عنوان یک نهضت تخصصی تحت رهبری انجمن ملی ورزش و تربیت بدنی^{۴۳}، نهضت استانداردهای ملی در سال ۱۹۹۴ آغاز شد تا به مربیگری رسمیت و هویت داده و از مربیگری کیفی و آموزش مربیگری حمایت کند. در این فرایند، بیش از ۱۰۰ سازمان و افراد متخصص به‌طور انفرادی دعوت شدند تا در اجلاسی شرکت کنند و به نمایندگی از سازمان‌های خود، پیش‌نویس استانداردهای ملی مربیان ورزش^{۴۴} را آماده سازند (انجمن ملی ورزش و تربیت بدنی، ۲۰۰۶). هدف اصلی از این استانداردها تدارک دستورالعملی بود برای مدیران، مربیان، ورزشکاران، و عموم مردم دربارهٔ مهارت‌ها و دانشی که مربیان باید داشته باشند. حاصل کار، جمع‌آوری ۴۰ استاندارد در ۸ حیطه بدین شرح بود:

۱. فلسفه و اخلاقیات (یا اصول اخلاقی)
۲. ایمنی و پیشگیری از آسیب‌دیدگی
۳. رشد و توسعه
۴. آماده‌سازی بدنی (بدن‌سازی)
۵. ارزشیابی
۶. مهارت‌ها و تاکتیک‌های ورزشی
۷. تدریس و ارتباطات
۸. سازمان‌دهی و مدیریت.

استانداردهای ملی مربیگری برنامهٔ صدور گواهی‌نامه نیستند بلکه چارچوبی هستند که سازمان‌ها و مؤسساتی را که معمولاً مسئول تأیید مربیان و مربیگری و تربیت در مربیگری ورزش هستند، هدایت می‌کند. بدین‌سان، این نهضت احتمالاً به ایجاد هویتی تخصصی برای مربیگری در قرن ۲۱ منجر خواهد شد.

به نظر گراهام^{۴۵} (۲۰۰۹)، یک معلم به‌واسطهٔ اجرای تکالیف مختلفی که منجر به ایجاد محیطی دلپذیر برای یادگیری می‌شوند، برای محیط کلاس جوی طراحی و سپس آن را بر فضای کلاس حاکم می‌کند. به‌طور کلی، ایده‌های زیر عموماً بر یک محیط یاددهی و یادگیری به‌خوبی سازماندهی شده با راهبردهای آموزشی مختلف تأکید دارند. بر این مبنای آیسینینا (۱۹۹۹) راهبرد رفتاری پنج مرحله‌ای زیر را برای تبدیل شدن به یک معلم و مربی بهتر پیشنهاد می‌کند:

۱. برای داشتن اهدافی روشن‌تر و بهتر، برنامه‌هایی را با ساختار بلوکی (قطعه قطعه) برای فعالیت‌های سالانهٔ تربیت بدنی سازمان‌دهی کنید؛

۲. پیشرفت‌های دانش‌آموزان غیر ورزشکار را با دانش‌آموزان ورزشکار در کلاس درس تربیت بدنی مقایسه نکنید؛

۳. از کلاس‌های تربیت بدنی مطلع باشید و خود را از قبل، برای تدریس آماده کنید؛

۴. برای کار مؤثر با دانش‌آموزان تربیت بدنی و ورزشکاران، اهداف شفاف مناسب و متفاوتی داشته باشید؛

۵. از تدریس ورزش‌های عملکرد-محور و ماهرانه در یک روز واحد در کلاس تربیت بدنی و مربیگری پرهیز کنید. این عمل حواس معلم یا مربی را متوجه کار کردن روی یک ورزش و اهداف یکسان در یک روز واحد می‌کند.

از سوی دیگر، در این تعارض مداوم یا رو به پیشرفت معلم - مربی روی دیگری هم دارد و فشار روانی و مسائل آن، معلم - مربی، مدیریت مدرسه، دانش‌آموز - ورزشکاران و دانش‌آموزان عادی را درگیر می‌کند. اکثر مباحثات بر این موضوع متمرکزند که معلم - مربی چگونه باید از عهدهٔ این موقعیت برآید. مدیر، یعنی کسی که جامعه او را برای ایجاد تیمی پیروز تحت فشار می‌گذارد و ضمناً مسئول خلق بهترین جو تربیتی برای معلمان و دانش‌آموزان است، می‌بایست چه نوع رفتاری را بروز دهد؟ کدام‌یک از این دو نقش او اولویت دارند؟ پاسخ آسان است: «تعلیم و تربیت فرزندان ما». با این حال، خلق یک جو مدرسه‌ای یا تربیتی که به فعالیت‌های ورزشی فوق برنامه اهمیت بدهد، بخشی از فرایند تعلیم و تربیت و در عین حال بخشی از فرهنگ کشور آمریکاست. بنابراین، مسائل و نگرانی‌های مربوط به تعارضات معلم - مربی از منظر مدیران مدارس نیز باید بررسی شوند. مدیران مدارس می‌توانند بدون ایجاد تعارضات و قربانی کردن کیفیت برنامه‌های تربیتی‌شان، شیوه‌ها و وسایلی برای استفادهٔ مؤثر از خدمات معلم - مربی پیدا کنند.

بر این مبنای، اگرچه هیچ تحقیقی دربارهٔ نقش و آثار تعهدات قراردادی^{۴۶} وجود ندارد، تعهد قراردادی، به‌عنوان یکی از عوامل زمینه‌ای، شاید راه‌حلی برای تعارض نقش معلم - مربیان باشد؛ زیرا اینکه مدیران مدارس بابت فوق برنامه به مربیان حقوق می‌پردازند، ممکن است منجر به کار اضافه بر سازمان شود و معلم - مربیان را به لحاظ روانی فرسوده کند و باعث شود که به سبب وظایف تدریس معمولشان را رها کنند. به‌علاوه، اکنون بعضی قراردادهای معلم - مربیان وابسته به هم یا لازم و ملزوم هم‌اند؛ مثلاً، اگر یک معلم - مربی از موقعیت مربیگری استعفاء دهد، متأسفانه موقعیت تدریسش را نیز از دست می‌دهد. پس، از این نوع تعهدات قراردادی باید اجتناب شود. اما، جایی که بخش عمده‌ای از حقوق مربوط به وظایف مربیگری است ولی مسئولیت‌های تدریسی کوتاه‌تر و

بی‌نوشتها

1. teaching
2. coaching
3. teacher-coach
4. extracurricular
5. Bain
6. Donovan
7. Kosa
8. Sage
9. Sisley, Capel, Desertrain
10. Sutton
11. Figone
12. health
13. hygiene (بهداشت؛ علم سلامتی و حفظ آن و پیشگیری)
14. Rose
15. Lewis
16. athletics are educational
17. role conflict
18. Pagnano
19. Opportunities to Respond (OTR)
20. Yalcın
21. role preference
22. role congruence
23. job satisfaction
24. Locke and Massengale
25. Johns
26. Lumpkin
27. Siedentop
28. Templin, Anthrop
29. majors
30. O'Connor and Macdonald
31. Snyder & Spreitzer
32. Booster club

باستر کلاب در واقع کانونی است که به منظور حمایت‌های مختلف از فعالیت‌های یک انجمن یا تیم‌های ورزشی و غیره تشکیل می‌شود. این تشکیلات در سطح مدارس متوسطه و دانشگاه‌های آمریکا رایج است.

33. teaching-coaching
34. Chelladurai & Kuga
35. Stroot et al.
36. Napper-Owen and Phillips
37. Rovigno
38. Curricular zone safety:

در وسط اغلب خیابان‌های دو طرفه سکوهایی با نام «جزیره ایمنی» ساخته می‌شود تا عبور از خیابان با کاهش احتمال خطر، روی آن‌ها مستقر شوند و سپس، با اطمینان از ایمنی مسیر به راه خود ادامه دهند. ضمناً روی این سکوها از تصادم احتمالی نیز در امان هستند. از نظر مترجم در عبارت «منطقه ایمنی مربوط به برنامه تحصیلی» نقش دوگانه معلم - مربی به خیابانی دوطرفه تشبیه شده است. یک مربی که کار معلمی هم می‌کند، برای کاهش تعارض نقش و پیشگیری از اعتراضات احتمالی مدیران و دانش‌آموزان و به دلیل راحتی انجام چنین کاری همان موضوعاتی را که در مربیگری به بازکنان یاد می‌دهد، در مقام معلمی نیز تدریس می‌کند. این یعنی ماندن در منطقه ایمنی مربوط به برنامه تحصیلی و اصرار بر انجام دادن کاری که نه تنها تعارض ایجاد نمی‌کند بلکه احتمالاً باعث رضایت دانش‌آموزان نیز می‌شود؛ چون معلم چیزهایی را که آن‌ها دوست دارند تدریس می‌کند - مترجم

39. practicum (آموزش در حین کار در رشته مورد تحصیل - مترجم)
40. FLIGHT
41. Blackmore, Hawkes, Wilkinson, Zanandrea & Harrison
42. the Brigham Young University
43. The National Association of Sports and Physical Education (NASPE)
44. the National Standards for Sport Coaches
45. Graham
46. contractual obligations
47. Surgeon General
48. Herbert
49. Ryan

منبع

Konukman, F. et al. (2009). Teacher-coach role conflict in school-based physical education in USA: a literature review and suggestions for the future. opus.lib.siu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1054&context=gs...

متوازن ترند، احتمال انعقاد قراردادهای متفاوت وجود دارد؛ مثل این نمونه: نیم‌روز تدریس و انجام دادن تمام وقت وظایف مربیگری با یک میزان حقوق برابر.

علاوه بر این، نقش اخیر تربیت‌بدنی در مدارس به سرعت در حال تغییر است. اثبات شده است که فعالیت بدنی منظم فواید سلامت‌بخشی برای شرکت‌کنندگان به ارمغان می‌آورد. به رغم تأکیدات اخیر بر فعالیت بدنی کودکان، طبق گزارش رئیس کل بهداری دولت فدرال^{۴۷} (۲۰۰۲) افزایش چاقی در دوران کودکی، تهدید شماره یک زندگی کودکان در کشور آمریکا تشخیص داده شده است. مسائل اخیر مفهوم یک «تربیت‌بدنی نوین» را قوت بخشیده‌اند. تغییر نقش و کارکرد برنامه درسی تربیت‌بدنی در بسیاری از مدارس شروع شده است. «تربیت‌بدنی نوین» بر تلفیق مفاهیم سلامت و توانایی بدنی با فعالیت‌های انفرادی و مادام‌العمر، رشدشناختی و عاطفی در برنامه درسی مدارس تأکید دارد. این نقش‌ها و مفاهیم جدید مسئولیت‌های معلمان تربیت‌بدنی را - که پیش از این هم تمام وقت نسبت به کارشان متعهد و فداکار بوده‌اند - افزایش داده است. بنابراین، بهتر است مسئولیت‌های هر دو نقش تدریس و مربیگری در مدارس ما به منظور تحقق اثربخشی حداکثری جدا شوند.

اگرچه تعارض نقش معلم - مربی از سال ۱۹۹۷ مجدداً در ادبیات پژوهشی دیده نشده است، مدارس امروزی هنوز تعارض نقش معلم - مربی دارند که طبق اظهارات معلمان و دانش‌آموزان بر کیفیت تعلیم و تربیت تأثیر می‌گذارد. چندین مطالعه جدید بر وجود تعارض نقش معلم - مربی در تربیت‌بدنی تأکید کرده‌اند. هربرت^{۴۸} (۲۰۰۷) به منظور بررسی تعارض نقش معلم تربیت‌بدنی و مربی - معلم در آموزش متوسطه تحقیقی انجام داد. او برای تعیین اینکه چگونه معلمان تربیت‌بدنی بر این نقش دوگانه و فشارهای روانی روزانه غلبه کرده‌اند، پژوهشی کیفی را اجرا کرد. او با معلمان تربیت‌بدنی دبیرستانی که مربی بسکتبال نیز بودند مصاحبه کرد و علاوه بر این، معلمان فعالیت‌های روزانه خود را در یک دفتر یادداشت وقایع روزانه ثبت کردند. یافته‌های مطالعه هربرت نشان داد که به اعتقاد آموزگاری‌ها، شغل آن‌ها پیروزی در بازی‌های بسکتبال بوده است، اما در مورد نقش‌ها و پیامدهای خاص معلمی تربیت‌بدنی توجیه نبودند. به علاوه، آموزگاری‌ها گزارش کردند که به منظور پیروزی در بازی‌ها، کانون توجهشان مسئولیت‌های مربیگری بوده، تا مسئولیت‌های تدریس. در مطالعه دیگری پیشینه تعارض نقش معلم - مربی دبیرستانی بررسی شد. رایان^{۴۹} (۲۰۰۸) پیمایشی مبتنی بر وب را اجرا کرد. او برای ۱۳۵ شرکت‌کننده در مطالعه پرسش‌نامه ارسال کرد و در نهایت، ۱۳۵ پرسش‌نامه از طریق وب و ۱۲ پرسش‌نامه تکمیل شده از طریق پست دریافت نمود. نتایج حاصل نشان دادند که ترجیح نقش، سن، اندازه مدرسه، و تعداد شغل‌های مربیگری به‌طور معناداری با تعارض نقش ارتباط دارد. ضمناً معلم - مربیانی که اولویتشان تجربه مربیگری یا تدریس بوده است نسبت به کسانی که هیچ ترجیح نقشی نداشته یا نقشی متوازن داشته‌اند، تعارضات بیشتری داشتند.

در خاتمه، با داشتن رشته مربیگری جدا، باز تعریف و سازماندهی مجدد مؤسسات آموزشی، استفاده از راهبردهای رفتاری، تغییر تعهدات قراردادی و عمل تحت دستورالعمل استانداردهای ملی مربیگری ورزش انجمن ملی ورزش و تربیت‌بدنی، احتمالاً در آینده شاهد علائم امیدبخشی از کاهش تعارض نقش در تربیت‌بدنی (یا همان تدریس) و مربیگری خواهیم بود. مطالعات آتی باید بررسی کنند که چگونه جنسیت، سن، نقش‌های شغلی مختلف، نوع جامعه (حومه شهر یا روستایی) و وظایف نقش دوگانه معلم - مربی را در تربیت‌بدنی و سایر موضوعات تدریسی متأثر می‌سازند.